

سر نینتندو این روزها حایب تلوی است؛ از یک سو «پولمون لو» در حال تبدیل شدن به محبوب‌ترین بازی موبایل تاریخ است و از سوی دیگر مدیران این شرکت خود را برای عرضه نینتندو جریتران به نام «NX» آماده می‌کنند.



تجربه‌های نوین از محصولی قدیمی

نس‌مینی در تاریخ ۲۱ آبان‌ماه امسال به صورت جهانی عرضه می‌شود. این کنسول تنها ۶۰ دلار قیمت دارد و می‌تواند برای آنهایی که به بازی‌سازی علاقه‌مند هستند، کارساز باشد. فراموش نکنیم بازی‌های این کنسول هر کدام پایه‌گذار یکی از ژانرهای صنعت بازی بودند؛ بازی‌هایی که هنوز هم پس از گذشت سه دهه تأثیرگذارند. مثلاً افسانه زلدا پایه‌گذار بازی‌های اکشن - ادونچر بود، فاینال فانتزی گل سرسید بازی‌های نقش‌آفرینی شرقی به حساب می‌آید و نینجا گایدن هم که همواره به عنوان پدر بازی‌های سخت از آن یاد می‌شود.

کنسول نس‌مینی به پرواز یک متصل می‌شود؛ یعنی آنهایی که پرواز را از طریق NES بازیکنند.



رؤیای رنگی

پلت فرم (فضای اجرای بازی): اندروید
سازنده: پیشگامان یارا کیش



«رؤیای رنگی» پلت فرم دو بعدی است. در این بازی کاراکتر بی‌نام شما شروع به دویدن می‌کند. می‌توانید از روی موانع کوچک بپرید، اما هنگام مواجهه با موانع بزرگ چه خواهید کرد؟ اینجا دومین مکانیزم بازی به شما معرفی می‌شود. زمانی که به مانعی رسیدید چه نمی‌توانید از آن عبور کنید باید با لمس کردن سمت چپ صفحه، به دنیایی دیگر تلیپورت کنید. همه مکانیزم‌های این بازی را همین دو مورد دربرمی‌گیرد: پریدن و تلیپورت کردن. اما همین دو مکانیزم ساده نیازمند تمرکز بسیار بالایی است. مخصوصاً زمانی که سرعت بازی بیشتر می‌شود، زمانی برای فکر کردن باقی نمی‌گذارد.



فرار پرنده

پلت فرم (فضای اجرای بازی): اندروید
سازنده: نوآوران ژرف‌اندیش فناوری اطلاعات



این بازی داستان پرنده‌ای است که در حال فرار از آلودگی شهر است. در مسیر دو نوع آیکون (آلمان) داریم: یک نوع دودهای مضر که باعث سرفه و در نهایت بعد از سه بار برخورد، باعث مرگ پرنده می‌شود؛ نوع دیگر آیکون‌های مفید مانند: کلید، قلب، باران، رنگین کمان، بادبادک و ماسک است که با دریافت آن به اضافه شدن امتیاز پرنده و آسان تر شدن مسیر کمک می‌کند. نوع جدول این بازی به گونه‌ای است که براساس بیشترین رکورد فرد مرتب شده است. نحوه بازی کردن این بازی بسیار جذاب و ساده است و فقط با لمس صفحه، پرواز پرنده کنترل می‌شود.



شتاب در شهر ۲: سرعت‌شکنان

پلت فرم (فضای اجرای بازی): رایانه‌های شخصی
سازنده: آرون تک



بازی سرعت‌شکنان ادامه بازی شتاب در شهر است که پیشرفت فنی قابل توجهی داشته. «امیر» شخصیت اصلی داستان، راننده‌ای حرفه‌ای است که طی مسابقات به دلیل سرعت عجیب و غریب رقیبش شگفت‌زده می‌شود و با «امید» که در اصل نابغه تولید سیستم‌های توربو موتور ماشین است آشنا می‌شود و قرار می‌گیرد تا با نابغه با هم کار کنند. امیر دوستی شوخ و با مزه به نام «سعید» دارد که طی ماجرای به وسیله افرادی دزدیده می‌شود. امیر به همراه نابغه برای آزادی سعید به یک سری مسابقات وارد می‌شوند و طی ماجراهایی سعید را نجات می‌دهند، ولی در این ماجرا امیر از راز نابغه باخبر می‌شود.

مهر

اتهام چاقو کشی به اولین طلایی



می‌دانید اولین مدال طلای ایران را در مسابقات المپیک چه کسی به دست آورد؟ «امام‌علی حبیبی گودرزی» اولین مدال‌آور طلای ایران در المپیک ملبورن استرالیا در رشته کشتی فرنگی بود که در شرایط سخت این مدال را به دست آورد. وقتی در رقابت‌های

انتخابی المپیک سال ۱۹۵۶ استرالیا جواز حضور در المپیک را گرفت به خانه رفت و ماجرا را تعریف کرد و همان موقع همسرش او را ترک کرد. او ماند و بیچه یک‌ساله‌اش. به خاطر همین پیش فرماندار رفت و از او درخواست مساعده کرد. فرماندار هم گفت تو چاقو کش هستی و گودرزی را از اتاقش بیرون کرد. او هنگام بازی هم به شدت مریض بود و تب چهل درجه داشت، اما با همت خودش توانست در مسابقات پیروز شود و مدال طلا به دست بیاورد.

مدال با ارزش

مهر

پرواز بزرگ‌ترین هواپیمای آتش‌نشان جهان



همیشه در آتش‌سوزی‌های بزرگ که در جنگل‌ها اتفاق می‌افتد از هواپیمای آتش‌نشان استفاده می‌شود تا آتش را زودتر خاموش کنند. از آنجا که در آمریکا آتش‌سوزی زیاد اتفاق می‌افتد متخصصان تصمیم گرفتند که بزرگ‌ترین هواپیمای آتش‌نشانی جهان را بسازند. این هواپیما که «ماریخ هواپیما» نام دارد قادر به آب‌پاشی آتشی به وسعت ۱۶ هزار و ۲۰۰ مترمربع است. این حجم آب فقط در یکبار آگیری این هواپیما در آن ذخیره می‌شود. این هواپیما ۴۵ تنی بال‌هایش از هواپیمای A ۷۴۷ خیلی بلندتر است. بزرگ‌ترین هواپیمای آتش‌نشان جهان می‌تواند ظرف مدت ۳۲ ثانیه، ۳۲ هزار و ۵۰۰ لیتر آب را بارگیری کند.

هواپیمای آتش‌نشان

مهر

اهدای یک باب منزل به خانواده معلم فداکار خاشی



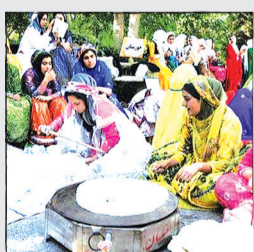
ماجرای معلم فداکار خاشی را به یاد دارید؟ همان معلمی که وقتی دید دیوار مدرسه در حال ریختن است بچه‌ها را از زیر آن نجات داد و خودش زیر آن گیر افتاد و از دنیا رفت.

حالا فرهنگیان استان فارس دست‌به‌دست هم دادند و منزل مسکونی‌ای را به خانواده این معلم فداکار تقدیم کردند و با این کار از فداکاری «حمیدرضا گنگو زهی» تشکر کردند. فرهنگیان با فرهنگ استان فارس با این کار نشان دادند که فداکاری این معلم از یادشان نرفته است و به همین دلیل سعی کردند با حمایت از خانواده‌اش از او تشکر کنند.

اهدای خانه به پاس فداکاری

مهر

اردوی ۱۳۰۰ دانش‌آموز عشایری آغاز شد



عشایر از زحمت‌کش‌ترین مردم کشور ما به حساب می‌آیند و با وجود اینکه همیشه مجبور به کوچ هستند، اما بچه‌هایشان با تلاش و کوشش دست از تلاش برای کسب علم بر نمی‌دارند. حالا ۱۳۰۰ نفر از این دانش‌آموزان به اردوی مشهد مقدس اعزام شدند تا با تمسک به

امام (رضاع) سال تحصیلی جدید را بهتر و با موفقیت بیشتری شروع کنند. در این اردو ۶۵۰ دانش‌آموز دختر و ۶۵۰ دانش‌آموز پسر شرکت دارند که دانش‌آموزان پایه نهم تا دوازدهم هستند. تعداد زیادی از این دانش‌آموزان تابه‌حال به زیارت امام (رضاع) مشرف نشده بودند و این اردو باعث شد تا به آرزویشان که زیارت امام هشتم بود نیز برسند. این دانش‌آموزان ضمن زیارت، برنامه‌های خاصی همانند هم‌اندیشی روی موضوعات خاص اجتماعی، آموزش بهداشت، کمک‌های اولیه، بازی‌های بومی و محلی و شبی با قرآن را نیز در اردوگاه ثامن‌الحجج دارند.

اردویی برای زیارت

دانشمندی که لکنت داشت

بعضی از آدم‌ها در هر شرایطی اول به ظاهر توجه می‌کنند، خوب، خصوصیت خوبی نیست و سعدی هم بارها در حکایت‌هایش در این‌باره هشدار داده است. «دانشمندی که لکنت داشت»، یکی از همین حکایت‌هاست. در این داستان، چند شاگرد به حلقه درس استاد جدیدی وارد می‌شوند. استاد، آرام و باصلاحت حرف می‌زند و درس را آن قدر تکرار می‌کند که همه آن را بفهمند. شاگردها در ساعت ناهار، استراحت می‌کنند. آنها در حال تعریف از استاد هستند که یک نفر می‌گوید: «استادی که نتواند «سین» را خوب تلفظ کند و «شین» بگوید، این همه تعریف و تمجید ندارد.»

هرقدر شاگردهای دیگر درباره ویژگی‌های مثبت استاد حرف می‌زنند، این شخص فقط روی لکنت زبان استاد تمرکز کرده. بالاخره، بحث را تمام می‌کنند و مشغول ناهار خوردن می‌شوند؛ سفره‌هایمان را باز کردیم و مشغول خوردن شدیم. دوستم نان و پنیر و گریه آورده بود. یک دانه گردو به من داد. با سنگی آن را شکستم. قبل از آنکه مغزش را لای نان بگذارم، دوستم گفت: مغزش را دور بریز و پوستش را بخور!

گفتم: خودت این کار را بکن!
گفت: من که از ظاهر استاد عیب نگرفتم!



قصه حکیم، روزی از روزها تصمیم گرفت به صورت ناگهانی به شهر برود. او لباس پاره‌ای پوشید و میان شهر ایستاد. مردی، قصه را استماع کرد تا لکنت نداشت. قصه را این‌طور که همراه مرد رفت تا کار چریک بیاموزد.

بوستان سعدی

حتماً با بوستان سعدی آشنا هستید، اما این مطلب بدون نوشتن از بوستان سعدی، کامل نمی‌شود. بوستان در ۱۰ باب نوشته شده و حکایت‌های کوتاه و بلندی را شامل می‌شود. ۱۰ باب بوستان هم به این شرح است: باب اول: در عدل و تدبیر و رأی، باب دوم: در احسان، باب سوم: در عشق و مستی و نشو، باب چهارم: در تواضع، باب پنجم: در رضا، باب ششم: در قناعت، باب هفتم: در عالم تربیت، باب هشتم: در شکر بر عاقبت، باب نهم: در توبه و در راه صواب و باب دهم: در مناجات و ختم کتاب.

هیچ‌کدام از داستان‌ها و حکایت‌های بوستان، نامی ندارند، اما نویسندگان در کتاب پنجاهک برای آنها نام‌هایی را انتخاب کرده است. «درا و گل‌پیان»، «سگ تشنه در بیابان»، «سنایه انگور و آتش جهنم»، «سگ‌کشی»، «ساز شکسته»، «زاغ و کرکس»، «نان و پیاز»، «شکر تلخ»، «لبلی زندانی»، «دزدی در روز روشن» و «بت پرست نیازمند»، برخی از نام‌های داستان‌های این کتاب است.

سگ بی‌دندان

فکر کن با دیدن حال‌وروز سگی به یاد خودت و سرنوشتی که پیش‌رو داری، بیفتی. کار سختی است، اما «جنید»، عارف معروف این‌گونه بود. او در بیابان، سگ پیر و فروتنی را دید که گرسنه بود. جنید از توپ‌هایش به سگ غذا داد و شروع به گریه کرد. شاگرد جنید که همراه او بود، تعجب کرد: «شما که سرآمد روزگاری، شما دیگر برای چی؟» شاگرد متعجب بود که جنید چطور خودش را با سگ مقایسه می‌کند. جنید به شاگردش گفت: «از عاقبت خودم خبر ندارم، ولی عاقبت این حیوان را می‌دانم. می‌دانم که ممکن است از گرسنگی بمیرد. وقتی که مرد خیالش راحت است که آتش جهنم در انتظارش نیست، ولی من چه؟» اسم این حکایت، «سگ بی‌دندان» است.

حاتم طایی و اسب مشهورش

«حاتم طایی» به بخشندگی معروف بود. داستانی از بخشندگی او را در «حاتم طایی و اسب مشهورش» می‌خوانیم. آوازه دست‌ودلبازی حاتم طایی و آوازه اسب حاتم طایی که مانند یاد می‌دوید، به گوش قیصر روم رسید. اما قیصر این موضوع را باور نمی‌کرد، بنابراین تصمیم گرفت درستی آن را کشف کند، بنابراین یکی از فرماندهان مورد اعتماد خود را به همراه ۱۰ نفر سرباز به سوی حاتم طایی فرستاد. حاتم طایی با خوش‌رویی، مهمانان را پذیرفت. او اسبش را سرباز برد و برای مهمانان شام پخت و موقع خواب برای آنها رختخواب‌های نرم و گرم پهن کرد.

فرمانده فردای آن روز هدفش را از رفتن نزد حاتم به او گفت، اما او جواب داد: «دیشب چون وقت تنگ بود و من وسیله پذیرایی شما را نداشتم اسبم را کشتم و برایتان شام درست کردم.» حاتم طایی، جمله‌های زیبایی را هم به فرمانده رومی گفت: «هن حاتم طایی ام، وجدانم اجازه نمی‌دهد که به مهمانانم بد بگذرد. نام من باید در دنیا پراوازه باشد. هیچ‌کس از من نخواهد پرسید چه اسبی داری؟ آدم را به اصل می‌شناسند نه به اسب.»

حالا فکر کنید با شنیدن این ماجرا چه حالی به قیصر دست داده است.



پنجاهک/ ۵۰ داستان کوتاه با آفریده از حکایت‌های بوستان سعدی
روح‌الله مهدی پور عمرانی
مشخصات نشر: تهران: تیرگان، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری: ۱۶۸ صفحه
تلفن: ۸۸۲۱۳۹۴
WWW.TIREGAN.PERSIANBOOK.NET

